

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات

اسلام، مکتبی جامع و آیینی کامل است که هم برای ویژگی های زندگی فردی انسان و هم برای شکل دهی به روابط سالم اجتماع، برنامه ریزی کرده است.



پیش گفتار

اسلام، مکتبی جامع و آیینی کامل است که هم برای ویژگی های زندگی فردی انسان و هم برای شکل دهی به روابط سالم اجتماع، برنامه ریزی کرده است. از طرفی، بیشتر دستورات دین، حتی در بخش هایی که به احکام عبادی و تنظیم رابطه ی فرد با خدایش پرداخته، از جنبه ای اجتماعی نیز برخوردار است.

رفتارهای شخصی افراد، گرچه در مرحله نخست تأثیر مستقیم بر روح و روان شخص بر جای می گذارد، اما از محدوده ضمیر فرد فراتر می رود و به اجتماع نیز می رسد. خصوصیات فردی و خلقیات شخصی که در رفتار عضوی از جامعه ظاهر می شود، به سان موجودی متحرک عمل می کند و حصار محدود محل پیدایش خویش را درهم می شکند و در شاکله محیط اجتماعی به جریان می افتد. به راحتی از واحدی به واحد دیگر منتقل شده و در پی فتح دل های دیگر برمی آید. این گونه تأثرات وجدانی، نیاز به مقدمه چینی های عقلی و خسته کننده و فراهم سازی زمینه و آماده سازی مقدمات و مرحله بندی ندارد؛ یعنی زمانی که این ویژگی ها در درون یک شخص که عضوی از مجموعه

است، متولد می گردد، بی درنگ در رفتار و منش بیرونی او ظاهر می شود و در اولین فرصت خود را در صحنه ارتباط با دیگران به نمایش می گذارد.

در نهایت، یک رفتار فردی به راحتی فراگیر شده و تبدیل به منش اجتماعی می شود. رفته رفته و به صورتی کاملاً طبیعی در قالب یک رسم پایدار جمعی درآمده و به عنوان شاخص های شناخت رفتارهای اجتماعی یک جامعه مطرح می شود.

آیین اسلام که در پی آراستن روان فردی انسان و ترسیم ساختار زندگی جمعی بر اساس فضائل اخلاقی است، برای کنترل این حرکت خزنده در کالبد اجتماعی اندیشیده و تمهیدات فراوانی مهیا کرده است که از جمله آنها می توان به دستور دینی «امر به معروف و نهی از منکر» (1) اشاره کرد.

بر اساس این وظیفه شرعی، هر کس علاوه بر مسئولیت حفظ و کنترل خویش، در قبال دیگران نیز مسئول است؛ به گونه ای که هر فرد جامعه اصلاح خود را در گرو تحقق صلاح محیط زندگی خود می داند.

در حقیقت، یک فرد به منزله ی نگهبانی است که در جامعه بر برج و باروی مرزهای نیکی ها و پلیدی ها جای گرفته و برای تحقق خیر و صلاح عمومی پاس می دهد. او مکلف است که هر گونه لغزش همراهان را چون خطای خویش دانسته و به محض آگاهی و شناخت آن ها در صدد علاج برآید. اگر خوبی ها را مشاهده کرد، ترغیب و تأیید و همراهی نماید؛ «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»، (2) و اگر رفتارها را در مسیر رشد و صلاح ندید، از آن ها دوری گزیده و حتی دیگران را از گرایش به آن سویی باز دارد؛ «و لا تعاونوا علی الإثم و العداون». (3)

خدای تعالی با شناخت کاملی که از روح و روان تأثیرپذیر این موجود شگفت آمیز و گل سرسبد عالم خلقت دارد، در مجموعه احکام و معارف دینی همچنان که برای اصلاح رفتار و اخلاق او تدابیر سودمندی اندیشیده، بر اصلاح محیط اجتماعی نیز تأکید فراوان نموده است.

انسان به صورت طبیعی نیازمند زندگی جمعی است و اصطلاحاً «امریّ مدنی» بالطبع است؛ یعنی تن دادن به الزامات زندگی اجتماعی، جزء سرشت های ذاتی او است و به تعبیر ارسطو آنان که از مدینه خارجند، یا از ما برتراند و جزء فرشتگان، و یا از پست تراند و جزء درندگان. (4)

بی تردید، این از ویژگی های آیین اسلام است که به جهت جاودانگی و همگانی بودن این دین، و ضرورت پاسخگویی به تمامی مشکلات بشریت، به حل معضلات اخلاقی و رفتاری جامعه با تکلیف به فریضه امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. البته جای این دستور اجتماعی با این ویژگی، در فرهنگ ها دیگر کاملاً خالی است. (5)

فریضه ی «امر به معروف و نهی از منکر» اگر در جایگاهی که شریعت برای آن پیش بینی کرده است قرار بگیرد، مهم ترین نقش را در روند تحول

و تکامل جامعه اسلامی ایفا خواهد نمود. این وظیفه نه تنها فریضه ی مهم دینی و از جمله فروع مسلم دین است، بلکه زمینه ساز تحقق دستورات دیگر است.

امام خمینی رحمه الله به عنوان فقیهی اسلام شناس و اندیشمندی مصلح که تمام توان و فکر خویش را مصروف آسیب شناسی جامعه بزرگ اسلامی، خصوصاً ایران، و اصلاح روابط اجتماعی بر اساس تعالیم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم نموده بود، جایگاهی اساسی برای فریضه ی «امر به معروف و نهی از منکر» و ضرورت شناخت اهمیت و تعیین مصادیق معروف و منکر در نظر داشت. ایشان بسیاری از تلاش ها و فعالیت های اجتماعی -

سیاسی خویش را بر مبنای عمل به این فرضیه سامان می داد. در دوران مبارزات، یکی از مبانی اساسی تشخیص ضرورت ورود به میدان مبارزه با حکومت طاغوت و جایگزین کردن حکومت مشروع، بر وجوب این فریضه استوار بود. ایشان شاخص ترین فقیه دوره ی معاصر بودند که امر به معروف و نهی از منکر را وارد برنامه عملی یک انسان متدین کردند و در مباحث فقهی، خصوصاً رساله ی توضیح المسائل بخشی را به طور ویژه به بیان احکام این فریضه اختصاص دادند. (6) از لحاظ نظری از سال 1363ق. در دستنویس های خویش و همچنین از سال 1323ش. در کتاب کشف اسرار به اهمیت این فریضه پرداخته و از نظر فتوایی نیز در رساله ی تقیه (1373ق)، المکاسب المحرمه (1380ق)، تحریر الوسیله، استفتائات و توضیح المسائل، این فرضیه را مورد بررسی قرار داده اند. بی شک، مهم ترین اثر ایشان درباره امر به معروف و نهی از منکر، کتاب الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر؛ تحریر الوسیله است که در سال 1384ق. به نگارش درآمده است.

بعد از پیروزی و استقرار حاکمیت دینی در کشور که خود حاصل انجام وظیفه بر اساس عمل به تکلیف اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر؛ محسوب می شود، امام خمینی در نخستین روزهای تثبیت حاکمیت با تأکیدی ویژه، به ضرورت توجه به بسط فرهنگ اجرایی این فریضه تأکید داشتند. ایشان طی فرمانی در سال 1358ش. به شورای انقلاب مأموریت دادند که اداره ی امر به معروف و نهی از منکر؛ را تأسیس نمایند. (7) علاوه بر آن، ایشان همواره در طول سال های رهبری انقلاب

تأکیدات و توصیه های فراوانی در زمینه اهمیت این فرضیه، چگونگی عمل به آن، آثار اجتماعی آن و نیز شناخت مصادیق معروف و منکر بیان فرموده اند که به جهت کثرت آن ها، یک جلد از آثار موضوعی تبیان را به خود اختصاص داده است. (8) سیره عملی امام رحمه الله نیز سراسر آکنده از رفتارهایی است که نشانگر نهایت دقت و توجه ایشان به اصلاح عملکرد دیگران است. همواره منسوبین و وابستگان امام شاهد و ناظر واکنش های جدی و در عین حال ملیح ایشان در این گونه موارد بوده اند. نمونه ی زیر بیانگر این واقعیت است که التزام به دستورات شریعت و توجه به رعایت چارچوب های دینی از سوی همگان، نهایت آرزوی ایشان و توصیه ی اکید پایانی عمر شریف و پر بار آن حضرت است. آن چنان که از خاطرات نزدیکان امام که در آخرین لحظات وداع با پیر و مرادشان در کنار بستر نورانی شان حضور داشتند، بر می آید، ایشان آخرین توصیه و سفارش را این چنین فرمودند که: «این راه، راه سختی است؛ و بارها تکرار کردند که: «گناه نکنید»» (9).

و یا از عروس حضرت امام رحمه الله این چنین نقل شده است:

یک روز قبل از آن که امام به بیمارستان بروند، توصیه ای در مورد غیبت کردند. ایشان نمی گفتند: غیبت نکنید؛ چون آن را نباید بکنیم؛ بلکه می گفتند: سعی کنید حتی در مجالسی که غیبت می شود، شرکت نکنید ... توصیه دیگر ایشان اهمیت دادن به نماز اول وقت بود. (10)

و این نصیحت مبارکی است که ایشان همواره دوستدارانش را به آن سفارش می فرمود که: «سعی کنید کارهای خوب را انجام بدهید و کارهای بد را ترک کنید» (11).

این نوشتار که در نه بخش تنظیم گردیده است، از نگاه اخلاق اجتماعی در جستجوی مفهوم و ماهیت فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر؛ بوده و به بیان جایگاه و نقش آن در تحولات اجتماعی از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله اختصاص دارد.

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات

فریضه امر به معروف و نهی از منکر؛ از مهم ترین فرائض دینی است که بر اساس آیات شریفه قرآن و همچنین دستورات ائمه طاهرین علیهم السلام مورد تأکید جدی بوده و از جمله ضروریات دین به شمار می آید. (12)

الف - آیات

خداوند متعال در موارد متعددی از قرآن کریم و با بیان های مختلف، اهمیت و ضرورت التزام به انجام آن را توصیه می فرماید:

خداوند متعال در سوره آل عمران ضمن بیان لزوم عمل به امر به معروف و نهی از منکر؛ گروهی را که به اجرای این مهم پردازند، امت رستگار؛ معرفی می کند؛ (ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون؛ (13) باید از میان شما گروهی باشند که به خیر، دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند که اینان رستگاراند).

به تصریح این آیه ی شریفه، گروهی که به این مهم عمل کنند، به رستگاری نائل می شوند. امر به معروف و نهی از منکر که در این آیه در ردیف دعوت به خیر قرار گرفته است، فضایی مطلوبی را به وجود می آورد که انسان های طالب حقیقت بتوانند به راحتی راه های نیل به سعادت را جستجو کرده و در آن قدم گذارند.

بنابراین، امتی که بستر این رشد و تعالی را برای جامعه فراهم می آورد، از مقام و جایگاهی بس رفیع برخوردار خواهد بود که در این آیه ی شریفه از آنان به مفلحون؛ تعبیر شده است.

این گروه برگزیده در آیه ی دیگری از همین سوره ،بهترین امتی معرفی شده اند که در میان مردم پدید آمده اند :
(کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله)؛(14) شما بهترین امتی هستید که از میان مردم پدید آمده که امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان آورده اید .
امت نیک و ستوده ای که ایمان به خدای تعالی و امر به معروف و نهی از منکر را پیشه ی خویش ساخته و برای اصلاح محیط در تلاش همیشگی اند .

همچنین خداوند متعال گروهی از اهل کتاب را به خصلت هایی

می ستاید و آن ها را به جهت این که اهل تذلل در برابر خداوند و راز و نیاز و تهجد و تلاوت آیات الهی در دل شب های ظلمانی اند برمی گزیند؛ گروهی که ایمان به خدای تعالی داشته و شب های تار در سجده بوده و در صحنه انجام مسئولیت اجتماعی خویش نیز لااقل امر به معروف و نهی از منکر را و سبقت در خیرات را پیشه خود ساخته اند ،از این افراد نیک در قرآن به لااقل الصالحین را تعبیر شده است .

(لیسوا سواء من اهل الکتاب امة قائمة یتلون آیات الله آناء الیل و هم یسجدون * يؤمنون بالله و الیوم الآخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین)؛ (15) اهل کتاب همه یکسان نیستند؛ گروهی به طاعت خدا ایستاده اند و آیات خدا را در دل شب تلاوت می کنند و سجده به جای می آرند. به خدا و روز رستاخیز ایمان داشته و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در کارهای نیک شتاب می ورزند و آنان از جمله صالحان هستند .

در این آیه هم چون آیات پیشین خداوند متعال آمران به معروف و ناهیان از منکر را به امتی تعبیر می کند که با دیگران از لحاظ ارزش و جایگاه برابر نیستند .این برتری در آیه ی قبلی (خَیْرَ اُمَّةٍ) و در این آیه ی شریفه با عبارت (لیسوا سواءً) کاملاً روشن و مشخص است .

از طرف دیگر، توصیف این گروه به لااقل امت را خود نشان دهنده ی نوعی حرکت هدفمند و در مسیر رشد و تعالی است .

واژه ی لااقل امت و لااقل امام را ریشه و لااقل الامم گرفته شده است که در لغت به معانی متعددی مثل :اصل، ریشه، مبدأ، مقصد، قصد و عزیمت به کار رفته است .(16) در همه ی این معانی اشاره به نوعی حرکت و پویایی همراه با هدف نهفته است . لااقل امت و نیز اصطلاحاً به گروهی از مردم که در هدف مشترکند ،اطلاق می شود ؛ همچنان که لااقل امام را نیز در زبان قرآن کسی است که حامل درجات قرب و امیر قافله اهل ولایت بوده و رابطه انسانیت را با این واقعیت برقرار می کند ؛کسی که از جانب حق سبحانه برای پیشبرد صراط ولایت اختیار شده و زمام هدایت معنوی را به دست گرفته است .(17)

بنابراین ،واژه لااقل امت اصطلاحی قرآنی است که به جای کلماتی مانند قبیله ،قوم ،شعب و طایفه به کار رفته (18) و همواره با نوعی آرمان همراه است ؛ آرمانی که می تواند گروهی از انسان ها را که در رسالتی مشترکند ،گرد هم آورده و در مسیر امامت صالحان و اهداف انبیا متحد سازد .خداوند متعال عاملان به فریضه ی لااقل امر به معروف و نهی از منکر را به بهره مندی از ویژگی های امت توصیه می کند .

از این گذشته ،از آیه ی شریفه فوق پیدا است که لااقل امر به معروف و نهی از منکر را نه تنها از ضروریات دین اسلام محسوب می شود، بلکه بر امت های قبلی و پیروان همه ی کتب آسمانی نیز امری واجب و مسلم بوده است ؛ چنان که عمل به این فرضیه را جزو توصیه های حضرت لقمان به فرزندش می داند :یا بني اقم الصلوة و أمر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک أن ذلک من عزم الامور)؛(19) ای پسرک من ! نماز بگزار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر هر چه بر تو رسد، صبر کن که این از کارهایی است که نباید آن را سهل انگاشت.

همچنین خداوند متعال در توصیف گروهی برگزیده که در راه اهداف الهی از خانه و کاشانه ی خویش دست شسته و در پی یاری دین برآمده اند،می فرماید : (الذین إن مکناهم فی الارض أقاموا الصلوة و أتوا الزکوة و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور)؛(20) همان کسی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم ،نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و امر می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند .و فرجام همه ی کارها از آن خداست.

آیاتی که ذکر شد ،به خوبی اهتمام شارع را به تحقیق فریضه لااقل امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه نشان می دهد .اهمیت این فریضه به حدی است که خداوند متعال در سوره ی توبه در توصیف مؤمنانی که مورد رحمت الهی قرار خواهند گرفت، لااقل امر به معروف و نهی از منکر را مقدمه ی نماز برشمرده است :

(المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و یطیعون الله و رسوله اولئک سیرحمهم الله إن الله عزیز حکیم)؛(21) مردان و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند ،همدیگر را به نیکی ها فرمان داده و از پلیدی ها نهی می کنند ،نماز به پای می دارند و زکات می پردازند و از خدا و رسولش اطاعت می نمایند .البته که رحمت الهی شامل حال آن ها است .همانا خدا غالب و حکیم است .

در این آیه شریفه نکته ی لطیف دیگری از جهت جایگاه امر به معروف و نهی از منکر قابل تأمل است؛لازمه ی داشتن ایمان واقعی این است که مؤمنان نسبت به همدیگر رابطه دوستانه داشته و در سرنوشت همدیگر شریک باشند.لازمه

چنین محبتی نیز امر به معروف و نهی از منکر است و لازمه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، قیام بندگان به وظیفه‌ی عبادت و خضوع نسبت به پروردگارشان است؛ یعنی برپا داشتن نماز و دستگیری از فقرا و پرداخت زکات. به این ترتیب، لازمه‌ی امر به معروف و نهی از منکر اطاعت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و زنده شدن تمام احکام و دستورات دینی است. (22)

بنابراین طبق آیه شریفه، فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در نهایت، سبب اطاعت مطلق پروردگار و برپایی تمام احکام دین و زنده شدن پلیدی‌ها از روی زمین خواهد شد. شاید به این جهت است که در روایات نیز این فرضیه را زمینه ساز برقراری عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی معرفی کرده اند. (23)

ب-روایات

در ادامه به بیان گزیده‌ای چند از احادیث معصومین علیهم السلام در این موضوع بسنده می‌کنیم.

اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

(... إن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الأنبياء و منهاج الصلحاء فريضة عظيمة بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المكاسب و تردّ المظالم و تعمر الأرض و ينتصف من الأعداء و يسقيم الأمر؛ (24) امر به معروف و نهی از منکر، روش پیامبران و راه و رسم صالحان است که به سبب آن واجبات دینی، برپا شده و راه‌ها، امن و خرید و فروش مردم حلال، و حق کشی‌ها برطرف، زمین آباد، و حق از دشمنان ستانده، و امر حکومت پایدار می‌شود. در این حدیث شریف، این فریضه، شیوه انبیا و صلحا معرفی گردیده است که عمل به آن، آثار فراوانی در اصلاح روابط جمعی و محیط زندگی مسلمانان به بار خواهد آورد. همچنین مضمون این حدیث شریف در کتاب تحف العقول از امام حسین علیه السلام روایت شده است که در فصل سوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نتیجه ترک فریضه

قال امير المؤمنين عليه السلام: «من ترك إنكار المنكر بقلبه و لسانه فهو ميت بين الأحياء»؛ (25) کسی که منکرات را با قلب و زبانش نکوهش نکند، در حقیقت مرده‌ای است که در بین زندگان جای گرفته است. تعبیر «میت بین الأحياء»؛ به روشنی مؤید این نکته است که این فریضه برای تحرک و پویایی مجتمع اسلامی بر محور صلاح و رشد تشریع شده است. در حقیقت، شخص عمل‌کننده به این دستور دینی، موتور محرکه‌ی جامعه اسلامی است که با تمسک به «امر به معروف و نهی از منکر»؛ که در روایت پیش از آن به «سبیل»؛ و شاهراه هدایت انبیا تعبیر شده، همگان را در مسیر تعالی به سوی کمال، حرکت می‌دهد و ترک‌کننده این مسئولیت همچون مرده‌ای است که تنها در میان جامعه انسانی از حیات حیوانی برخوردار است. در روایت دیگر، تارک این فریضه به محرومیت از دین خدا توصیف شده است:

قال النبي صلي الله عليه و آله و سلم: «إن الله عزّ وجلّ ليغضّ المؤمن الضعيف الذي لا دين له فقليل: و ما المؤمن الضعيف الذي لا دين له؟ قال: الذي لا ينهي عن المنكر»؛ (26) خدای عزّ وجلّ مؤمن ضعیفی را که دین ندارد، دشمن می‌دارد. سؤال شد که: مؤمنی ضعیف که از دین بی‌بهره است، کیست؟ فرمود: شخصی که از زشتی نهی نمی‌کند.

پیامدهای بی‌توجهی به این فریضه

حضرت امیر علیه السلام بعد از ضربت خوردن در شهر کوفه در ضمن وصیتی به امام حسن و امام حسین علیهما السلام، آنان را به مواظبت بر انجام این فریضه توصیه می‌فرماید. ایشان در ضمن تأکید بر عدم غفلت از این فریضه، تبعات بی‌توجهی به آن را نیز گوشزد می‌کنند:

«لا تتركوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فيولّي عليكم شراركم، ثمّ تدعون فلا يستجاب لكم»؛ (27) امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید که بدترین شما حکمرانی شما را بر دست گیرند. آن‌گاه دعا کنید و از شما نپذیرند.

مشابه این روایت، حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام است که فرموده:

«لتأمرنّ بالمعروف و لتنهينّ عن المنكر أو ليستعملنّ عليكم شراركم فیدعو خياركم فلا يستجاب لهم»؛ (28) امر به معروف و نهی از منکر نمایید و گرنه بدکاران بر شما مسلط خواهند شد که در آن شرایط دعای نیکان نیز مورد اجابت قرار نمی‌گیرد.

در این دو روایت به آثار وضعی ترک فریضه اشاره شده است؛ به این ترتیب که ترک امر به معروف و نهی از منکر رفته رفته منجر به تثبیت امور ضد اخلاقی شده و به صورت طبیعی افراد بدکار که در صدد عمل به معاصی هستند، در جامعه به سلطه دست پیدا خواهند کرد. در چنین شرایطی است که حتی نیکان جامعه نیز باید به سبب ترک تکلیف امر به معروف و نهی از منکر، به روزگار سختی گرفتار شوند که از آن در این دو روایت، به عدم استجابت دعا تعبیر شده است؛ یعنی

پیامد ترک این مهم به گونه ای است که اسباب شمول رحمت واسعه ی الهی را از جامعه، حتی از صالحان نیز دور می کند و در حالت اضطرار، التجا و تضرع پاکان به جایی نمی رسد. حضرت امام باقر علیه السلام در ضمن روایتی اوصاف قومی را که در آخرالزمان می آیند، بیان فرموده که از جمله ی آن ها این است که فریضه ی «&امر به معروف و نهی از منکر» را سبک شمرده و به آن عمل نمی کنند. پس آن حضرت عقوبت سختی را برای چنین گروهی پیش بینی می کند :

«&...هنالك يتم غضب الله عز وجل عليهم فيعمهم بعقابه فيهلك الأبرار في دار الفجّار و الصّغار في دار الكبار»(29) در آن زمان است که غضب خداوند بلند مرتبه بر آنها فرود می آید که عقاب الهی همه را فرا می گیرد؛ به صورتی که نیکان در خانه ی بدکاران و کودکان در کنار بزرگان هلاک می شوند .

تاوان اظهار منکرات

اگر منکرات در جامعه به صورتی پوشیده و به دور از منظر عمومی عمل شود .عقوبت آن تنها متوجه فرد عمل کننده است؛ اما اگر آشکار شود و دیگران نیز در مقابل زشتی ها عکس العمل و مقاومتی نشان ندهند ،کیان و هستی کل جامعه بر باد می رود که عقوبت بسیار سخت و سنگینی در انتظار چنین مردمی خواهد بود .

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید :

«&إن الله يعذب العامة بذنب الخاصة إذا عملت الخاصة بالمنكر سرّاً من غير أن تعلم العامة، فإذا عملت الخاصة بالمنكر جهاراً فلم يغيّر ذلك العامة استوجب الفريقان العقوبة من الله عز وجل»(30)خداوند عموم مردم را به گناه گروه خاصی گرفتار عذاب نمی کند ،مشروط به این که آن گروه بدکار،کارهای زشت را به صورتی پوشیده عمل کنند که مردم بر آن آگاه نشوند.اما اگر گروه اندکی معاصی را آشکارا مرتکب شوند و عموم مردم هم در مقابل آن ها ساکت شوند، هر دو گروه مستوجب عذاب الهی خواهند بود .

سیره معصومین علیهم السلام

عمل به این فریضه، از جمله ویژگی های بارز ائمه معصومین علیهم السلام می باشد که در مشی و سنت عملی ایشان به صورت مشخص نمود داشته است ؛به گونه ای که در بیشتر زیاراتی که برای ائمه طاهرين علیهم السلام موجود است ،این

ویژگی در کنار اقامه ی نماز و پرداخت زکات و جهاد در راه خدا، از اوصاف آن بزرگواران ذکر شده است ،از جمله در زیارت جامعه کبیره می خوانیم :

و أشهد أنکم ...قد أقمتم الصلوة و آتیتم الزکوة و أمرتم بالمعروف و نهیتم عن المنکر و جاهدتم فی الله حقّ جهاده»(31)شهادت می دهم که شما نماز به پا داشتید و زکات پرداخته و امر به معروف و نهی از منکر نموده و در راه خدا به شایستگی جهاد نمودید .

پی نوشت ها :

1.در ترجمه فارسی «&امر به معروف و نهی از منکر» ; بعضاً«&فرمان به شایست و وا زدن از ناشایست»استفاده می شود ؛ به عنوان مثال ،ترجمه فارسی کتاب Commanding Right and« forbidding Wrong in Islmic Though« اثر مایکل کوک معادل انگلیسی «&امر به معروف و نهی از منکر»یعنی Commanding Right and« «forbidding Wrong را به «&فرمان به شایست و وا زدن از ناشایست»ترجمه کرده است .ر.ک: شایست و ناشایست در اندیشه اسلامی ،ص18.

2.مآئده (5):2.

3.مآئده (5):2.

4.خداوندان اندیشه سیاسی ،ج1،ص211.

5.مایکل کوک ،نویسنده انگلیسی -امریکایی و محقق برجسته تاریخ اجتماعی اسلام ،معتقد است که «&فریضه امر به معروف و نهی از منکر،تکلیف هر مسلمان را در سراسر جهان برای بازداري مردم از زیر پا گذاشتن قانون خداوند روشن می سازد «&.وی در اثر ارزشمند خود در موضوع امر به معروف و نهی از منکر که نگارش آن به گفته ی خود او پانزده سال طول کشیده و برنده چندین جایزه کتاب بین المللی است ،به بررسی این فریضه در قرآن و حدیث و همچنین در نزد متفکران مختلف از اهل سنت و شیعه می پردازد .صفحه نخست این کتاب با ذکر حادثه ای آغاز می شود ؛به این صورت که «&در شب پنج شنبه 22سپتامبر 1988،یک زن در ایستگاه قطار محلی در شیکاگو در حضور

چندین تن مورد تجاوز قرار گرفت. سیمای برجسته این رویداد این بود که هیچ کس برای یاری به وی واکنشی از خود نشان نداد و به فریادهای او که از آنان یاری می خواست، توجهی نکرد.
سپس گزارش روزنامه
؛شیکاگو تریبون
؛ و
؛ تایمز
؛ را منعکس می کند که تماشاگران که شمارشان زیاد بود، به سادگی ایستاده بودند و گذاشتند چنین اتفاقی بیفتد؛ حتی وقتی قطار سر می رسد، سوار شده و به راه خود می روند .

مایکل کوک در ادامه می نویسد که:
؛ کسی نمی تواند درست کناری بایستد و فردی را به چشم ببیند -حتی اگر آن فرد بیگانه ی بیگانه باشد -که این گونه با او رفتار می شود. باید کسی کاری کند و واکنشی از خود نشان دهد و یا دلیل خاصی برای عدم اقدام داشته باشد. به سخن دیگر، مفهوم روشنی داریم که گونه ای وظیفه است. با آن که در زندگی روزانه ما نامی از این وظیفه نداریم... این ارزش است... خواه درک کنیم یا نه؛ ولی در حقیقت کاملاً خوب می فهمیم که فرهنگمان نیاز هیچ طرز گفتار ساخته و پرداخته ای از درکمان را برطرف نمی سازد
؛.
آن گاه مایکل کوک نتیجه می گیرد که در فرهنگ غربی جای چنین وظیفه ای خالی است و نهایتاً گم شده خویش را در فرهنگ اسلامی پیدا می کند :

؛ من تا هنگامی که برای پژوهش در اسلام کار نکرده بودم، از این مسأله آگاهی نداشتم. بر عکس (غرب)، اسلام برای وظیفه ی اخلاقی گسترده از این دست، هم نام دارد و هم آموزه. این نام، امر به معروف و نهی از منکر
؛. (ر.ک: شایست و ناشایست در اندیشه اسلامی، ص 29-33).

6- برخی معتقدند که امام خمینی رحمه الله اولین عالمی است که در متون فقهی اخیر و کتب فتوایی، سنت پرداختن دوباره به امر به معروف و نهی از منکر را احیا نمود. (ر.ک: نظریه های دولت در فقه شیعه، ص 24)

شهید مطهری نیز از این اصل به عنوان
؛ اصل فراموش شده
؛ یاد می کند و معتقد است که در یک قرن اخیر این اصل در کتاب ها به صورت تفصیلی مورد بحث قرار نگرفته است. (ر.ک: ده گفتار، ص 60-61)

7. امام خمینی در ضمن این حکم نوشتند:
؛ این اداره، مستقل و در کنار دولت انقلاب اسلامی است و ناظر به اعمال دولت و ادارات دولتی و تمام اقشار ملت است. و دولت انقلاب اسلامی مأمور است که اوامر صادره از این اداره را اجرا نماید. و این اداره مأمور است که در سراسر کشور از منکرات به هر صورت که باشد، جلوگیری نماید و حدود شرعیه را تحت نظر حاکم شرعی یا منصوب از قبیل او اجرا نماید و احادی از اعضای دولت و قوای انتظامی حق مزاحمت با متصدیان این اداره ندارند و در اجرای حکم و حدود الهی، احادی مستثنی نیست؛ حتی اگر خدای نخواست رهبر انقلاب یا رئیس دولت مرتکب چیزی شد که موجب حد شرعی است، باید در مورد او اجرا شود.
؛. (صحیفه امام، ج 9، ص 213).

8. دفتر بیست و یکم تبیان، با عنوان امر به معروف و نهی از منکر چاپ شده است .

9. ر.ک: برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 1، ص 325؛ به نقل از: خانم زهرا اشراقی، نوه حضرت امام رحمه الله.

10. همان، ص 59؛ به نقل از: خانم طباطبایی، عروس حضرت امام رحمه الله.

11. (خانم صالح نژاد) در ملاقاتی که به محضر امام رسیدم، پس از این که دست مبارک ایشان را بوسیدم، عرض کردم: حاج آقا مرا نصیحتی بفرمایید. امام با تبسمی شیرین گفتند: نصیحت، و بعد از آن فرمودند: سعی کنید کارهای... (همان، ص 295)

12. ر.ک: تحریر الوسیله، ج، ص 439.

13. آل عمران (3): 104.

14. آل عمران (3): 110.

15. آل عمران (3): 113-114.

16. لسان العرب، ج 12، ص 2؛ المنجد فی اللغة، ص 17؛ فقه سیاسی، ج 2، ص 303.

17. المیزان، ج 1، ذیل آیه ی (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)، بقره (2): 124؛ فقه سیاسی، ص 305.

18. فقه سیاسی، ص 305.

19. لقمان (31): 17.

20. حج (22): 41.

21. توبه (9): 71.

22. ده گفتار، ص 58.

23. این فرضیه و زوایای مختلف و فروع مرتبط با آن، در روایات ائمه طاهرين عليهم السلام مورد عنایت ویژه قرار گرفته است؛ چنان که در کتاب وسائل الشیعه، روایات این باب بیش از دویست صفحه را به خود اختصاص داده است .

24. وسائل الشیعه، ج 11، ص 39، ح 6؛ الکافی، ج 5، ص 55، ح 1.

25. وسائل الشیعه، ج 11، ص 40، ح 4؛ نهج البلاغه، حکمت 374، ص 429؛ و
؛ منهم تارک لانکار المنکر بلسانه و قلبه ویده فذلک میت الأحياء
؛.

26. وسائل الشیعه، ص 397، ح 13؛ الکافی، ج 5، ص 59، ح 15.

27. نهج البلاغه، نامه 47، ص 321.

28. وسائل الشيعه ، ج11، ص394، ح4؛ الكافي ، ج5، ص56، ح3.

29. الكافي ، ج5، ص56، ح1.

30. وسائل الشيعه ، ج11، ص407، ح1.

31. مفاتيح الجنان ، زیارت جامعه کبیره ، ص1075.

منبع: امام خميني (س) و مفاهيم اخلاقي/ 14، مؤسسه ي تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره) - دفتر قم 1387: چاپ و
نشر عروج
نویسنده: مهدی بخت اور